

روش‌های یادگیری-یاددهی در مدارس کارآفرین: مطالعه مروری نظام مند

احسان اکرادی^۱، حکیم سحاقی^{۲*}، نسا احمدزاده^۳

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، ایران.

۲. دانشجوی دکتری روان شناسی تربیتی، پردیس دانشگاه تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

۳. دکتری فیزیک، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، همدان، ایران.

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره ششم، شماره بیست و دوم، تابستان ۱۴۰۳، صفحات ۱۴۷-۱۳۰

چکیده

امروزه تغییر و تحولات و پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی نیاز به آموزش و پرورش اثربخش را ضروری می سازد. ازاین رو مدارس در رأس نظام آموزش و پرورش به عنوان نهاد تعلیم و تربیت دانش آموزان با تفکر کارآفرینانه و نوآورانه که بتوانند در جامعه ارزش آفرینی کنند، جایگاه و اهمیت ویژه ای دارند. این مقاله از نوع مروری بوده و در تدوین آن از جستجوهای اینترنتی با استفاده از موتورهای جستجوگر و در پایگاه های معتبر از جمله Ebsco، Google Scholar، Scopus، Science Direct، PubMed، SID و MAGIRAN و پرتال جامع علوم انسانی، سیلیویکا استفاده شده است. مدرسه به عنوان جامعه ای کوچک که ارتباط اعضای آن با یکدیگر فضای اجتماعی مشخصی را به وجود می آورد، باید بتواند در بروز خصایصی چون خلاقیت، خودباوری، آینده نگری، ریسک پذیری و تمایل به کامیابی (روحیه کارآفرینی) در دانش آموزان مؤثر باشد. ایجاد جو و فضایی مناسب و مطلوب که زمینه بروز این ویژگی ها را فراهم آورد، یکی از وظیفه ها و رسالت های مسئولان آموزش و پرورش است. آموزش اثربخش کارآفرینی مستلزم فراهم آوردن امکانات مختلفی از جمله روش های تدریس می باشد. آشنا کردن مدرسان با مجموعه تقریباً کاملی از روش های تدریس شرایط آموزش را بهبود بخشد و با توجه به امکانات در دسترس به انتخاب روش و آموزش متناسب با آن شرایط اقدام نمایند.

واژه های کلیدی: کارآفرینی، توسعه، مدرسه، آموزش و پرورش.

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره ششم، شماره بیست و دوم، تابستان ۱۴۰۳

مقدمه

یکی از زیربناهای اصلی در توسعه کارآفرینی، توجه خاص به تقویت نظام آموزشی است. امروزه تقریباً در تمام کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در همه پایه های تحصیلی آموزش و ترویج کارآفرینی جایگاه ویژه ای دارد. آموزش کارآفرینانه در ایران که اجرایی و عملی ترین راهبرد برون رفت از بن بست ها و مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور است از یک طرف به الگو گیری از برنامه ها خط مشی ها و تجربیات کشورهای پیشرفته و از طرف دیگر در نظر گرفتن شرایط بومی کشور نیاز دارد. یکی از لازمه های آموزش کارآفرینانه در مدارس اهمیت دادن به قوه ابتکار و خلاقیت دانش آموزان در محیط های آموزشی است چراکه بیشتر محیط های آموزشی بر محتوا محور یا در برخی موارد آموزش محور هستند در این خصوص دیوید مک کلند بیان می کند که عامل عقب ماندگی اقتصادی کشورهای در حال توسعه مربوط به درک نکردن و بی توجهی به خلاقیت ها و مهارت های منحصر به فرد هر شخص است (لاکوس، ۲۰۱۳)؛ بنابراین یکی از مهم ترین راهبردهای یاددهی و یادگیری آموزش کارآفرینانه نظام آموزش رسمی است؛ چراکه در کنار ابعاد نظری، ابعاد عملی شالوده آموزش عمل گرا است. وانگ و ونگ (۲۰۰۴) اذعان دارند که آموزش کارآفرینی به مثابه یکی از عوامل تعیین کننده در کمک به افراد برای فهم و درک و برانگیختن نظریه کارآفرینانه است؛ بنابراین از متون آموزش کارآفرینی در شکل دهی آموزش کارآفرینانه می توان استفاده کرد (اکیدن و ژاسا، ۲۰۰۶). اگرچه کارآفرینی در جوامع مختلف بیشتر با کسب و کارهای کوچک و متوسط در صنایع مختلف موضوعیت پیدا نموده اما این موضوع عمیقاً با توسعه اقتصاد کلان گره خورده است. در همین رابطه نظام آموزشی رسمی و غیررسمی خود را با چنین تغییر پارادایمی در ادبیات ملزم به ایجاد تغییرات ساختاری و ماهیتی نموده است. در سطح آموزش عمومی، یکی از این تغییرات ساختاری پدیده نوظهور مدرسه کارآفرین است که باهدف تربیت دانش آموزان جهت ایفای نقش کارآفرینانه در جامعه مطرح شده است. در چنین مدرسه هایی نقش ها و مسئولیت های همه گروه های ذینفع مدرسه اعم از مدیر، معلم، دانش آموز و نیز ماهیت برنامه های درسی و حتی انتظارات اولیا و جامعه بزرگتر مستلزم بازتعریف است (حاجی آقایی و خلخالی، ۱۳۹۹). در حال حاضر یکی از دغدغه های اصلی کشور اشتغال و کاهش نرخ بیکاری دانش آموختگان و جوانان است.

از مهم ترین اهداف آموزش و پرورش هر کشور پرورش استعدادها و تربیت انسان های شایسته و مولد برای ورود به بازار کار و صنعت است. با توجه به نقش و اهمیت کارآفرینی در ابعاد زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از نظام آموزشی هر کشور انتظار می رود که شهروندان شایسته کارآفرین را پروراند. از این رو در برنامه های آموزشی کشورهای توسعه یافته آموزش کارآفرینی بخشی جدایی ناپذیر از برنامه های درسی رسمی و غیررسمی است.

مدارس کارآفرین مرکز اصلی تربیت دانش آموزانی است که با برخورداری از ایده ها و اندیشه های نو می توانند نیروی نوینی به جامعه تزریق نمایند (نصیری و شیخ آبادی، ۱۳۹۹). ظهور جامعه کارآفرینانه در جامعه از طریق آموزش کارآفرینی منعکس می گردد چراکه این نوع آموزش، نگرش کارآفرینانه را تشویق می کند (موتن، تونکاری، ۲۰۲۰) و تنها در مورد کارآفرین شدن دانش آموزان نیست؛ بنابراین با توجه به نقش مثبت آموزش کارآفرینی می توان گفت که در شرایط کنونی آموزش کارآفرینی جای خود را نه تنها در بستر دانشگاه بلکه در دوره های تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان باز کرده است. لذا آموزش و پرورش به عنوان بزرگترین سازمان

متولی تربیت نسل آینده با داشتن ویژگی‌هایی چون پوشش تحصیلی وسیع حضور دانش آموزان به مدت طولانی جهت آموزش در اختیار داشتن نسل آینده در شرایط مناسب برای یادگیری اصول و مفاهیم می‌تواند نقش حیاتی در پرورش ترویج و آموزش این ویژگی‌ها در دانش آموزان داشته باشد. علی‌رغم برنامه‌ها و تحقیقات اخیر که در بیشتر کشورهای دنیا در خصوص اهمیت آموزش کارآفرینی در مقطع ابتدایی داشته‌اند، برنامه‌های آموزشی مدارس ابتدایی در کشور ما نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای مربوط به پرورش دانش آموزان کارآفرین باشد (مرادی و همکاران، ۱۳۹۷).

آموزش و پرورش به‌عنوان رکن اصلی آموزشی دانش آموزان می‌تواند با سیاست گذاری کلان در بخش آموزش دانش کارآفرینی نقش بسزایی در ایجاد انگیزه در دانش آموزان در همان سنین پایین تحصیل برای ایجاد شغل و بنگاه اقتصادی در آینده بعد از فراغت از تحصیل ایفا کنند. این دانش آموزان با کسب مفاهیم اولیه کسب و کار در مدارس و شرکت در مجامع طراحی شده برای انتقال تجربیات کارآفرینان موفق و جوان دارای نگرش کارآفرینی شده و جهت‌گیری تحصیلی خود را بر این اساس برنامه‌ریزی خواهند کرد. لذا داشتن هدف مشخص در این جوانان برای بعد از فراغت از تحصیل کمک شایانی به رشد اقتصادی کشور از طریق بنگاه‌های اقتصادی نوپا توسط همین متخصصان جوان می‌کند (پارک و آن، ۲۰۱۶). آموزش کارآفرینی موجب اصلاح توانایی دانستن چگونگی و چراهای دستیابی به اطلاعات جدید و توانایی دسترسی به اطلاعات سودمند در حداقل زمان، توانایی انتخاب ترکیبات، اپتیمم زمانی برای بازاریابی محصولات و حمل و نقل آن‌ها و توانایی انجام عملیات تجاری به‌منظور کارآتر شدن چشم‌انداز اقتصادی می‌گردد (وال و همکاران، ۲۰۱۷). در مؤلفه‌های کاربردی و عملی برنامه‌های درسی کمترین توجه مربوط به عنصر کارآفرینی است. بر این اساس به برنامه ریزان درسی پیشنهاد می‌شود که جایگاه عنصر کارآفرینی در برنامه‌های درسی را مورد بازشناسی قرار داده و راهکارهایی برای افزایش ماهیت کارآفرین بودن این برنامه‌ها ارائه کنند. شناسایی ظرفیت‌های کارآفرینی با توجه به ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی کشور می‌تواند راهگشا باشد (مهدی پور، ۲۰۱۶).

در نظام آموزش و پرورش ما آموزش کارآفرینی به‌صورت مدون و کاربردی وجود ندارد. در این صورت، دانش و یادگیری به بازار کسب و کار نزدیک نشده و مهارت و حرفه‌آموزی نیز در مدارس به چشم نمی‌خورد؛ زیرا باوجود آموزش کارآفرینی است که چرخه اقتصاد موفق یک کشور به‌طور مداوم به حرکت درمی‌آید. نارسایی در پیکره آموزش و پرورش را باید در فقدان آموزش کارآفرینی در مدارس جستجو نمود؛ لذا پژوهش حاضر درصدد بررسی روش‌های یادگیری-یاددهی در مدارس کارآفرین می‌باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مروری با جستجو برای یافتن مقالات و پژوهش‌های صورت گرفته در نشریات ایرانی و خارجی انجام شد. بدین منظور، مرور جامع و عمیق از طریق جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی Scopus, Google Scholar, Ebsco, Eric, PubMed, Science Direct و SID, MAGIRAN و پرتال جامع علوم انسانی، سیلیویکا با استفاده از کلمات کلیدی مدارس کارآفرین، مقالات مرتبط با موضوع مطالعه انتخاب شدند. پژوهشگران کل مقالات مورد جستجو را از نظر عوامل مربوط به مفهوم مدارس کارآفرین مطرح شده در منابع را بررسی نمودند.

مدرسه کارآفرین

معرفی آموزش کارآفرینانه در سطح ابتدایی و متوسطه مدارس و در آموزش فنی و حرفه‌ای اغلب با تغییر در طراحی آموزشی، شیوه‌های تدریس آموزش‌های حرفه‌ای مستمر برای معلمان و روش‌های که چگونه مدرسه سازمان‌دهی می‌کند و تعامل با جهان اطراف، همراه است. تغییرات همیشه یک حس عدم اطمینان و اختلال در میان کسانی که نگران تغییرات و عوامل تغییر هستند، ایجاد می‌کند که این یک واکنش طبیعی است. تخصیص به هر گونه تغییر، اعم از تحمیل یا داوطلب، مسائلی را ایجاد می‌کند؛ به عبارت دیگر تغییر توانمندسازی و موانع باید شناسایی شوند و به موقع و به طور موثر به آن پرداخته شود. در سراسر جهان به سرعت، سیاست های عمومی آموزش و پژوهش عوامل اصلی برای معرفی آموزش کارآفرینانه در تمام سطوح آموزش و پرورش رسمی به عنوان یک تضاد با آموزش سنتی دیده می‌شود (ساگار، ۲۰۱۲).

عناصر مدرسه کارآفرین

یک توصیف از مدرسه کارآفرین که از پژوهش در زمینه‌های آموزش توسعه‌سازمانی و مطالعات کارآفرینی در چارچوب کارآفرینی ۳۶۰ ابتکار کمیسیون اروپا و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه جمع‌آوری شد. بدین صورت عناصر مدرسه کارآفرین شامل نقش دانش آموزان و معلمان و پشتیبانی از معلمان و آموزش کارآفرینانه است.

دانش آموزان: دانش آموزان بازیگران اصلی در آموزش کارآفرینانه هستند؛ آن‌ها تشویق به جنبه‌های مختلف آموزش و پرورش و فرایند یادگیری به خود می‌شوند. فرایندهای یادگیری خود را به طور منظم موردبررسی، بحث و بهبود قرار می‌دهند. دانش آموزان در طراحی آموزش و ارزشیابی فعالیت‌های کارآفرینانه شرکت می‌کنند. در همکاری با دانش آموزان روش‌های مختلف و ابزاری برای ارزیابی تکوینی از جمله ارزیابی همسالان دانش آموز به طور جدی وجود دارد. علاقه، انگیزه و دستاورد دانش آموزان به طور منظم در رابطه با مداخلات آموزش کارآفرینانه باید موردبررسی قرار گیرد. مطالعه (بررسی) تکالیف در آموزش کارآفرینانه منجر به ایجاد علاقه انگیزه و نیروی داخلی دانش آموزان است که از طریق احساس ارزش برای آنان در فرایند یادگیری موردنیاز ایجاد می‌شود. زمینه‌های معتبر پیچیده و میان‌رشته‌ای که باز هستند (مطالب آموزشی خارج از چارچوب کتاب درسی) باشد و دانش آموز را تشویق به خلاقیت، ابتکار، نوآوری، تفکر انتقادی و روش‌های مختلف حل آن می‌کند. آن‌ها بر استفاده از حقایق به جای دوباره تولید حقایق تمرکز می‌کنند. دانش آموزان می‌توانند با محتوا ارتباط برقرار کنند.

معلمان: معلمان به طور کلی تأثیرگذارترین بازیگران در آموزش در نظر گرفته می‌شود. نقش یک معلم در کلاس درس و در شکل دادن به محیط یادگیری ارتباط نزدیکی با نظریه‌های دانش و یادگیری دارد که به نوبه خود با ادراک حرفه‌ای و نگرش او در ارتباط است. در یک مدرسه کارآفرین معلمان به دانش آموزش کارآفرینانه دسترسی دارند، آن‌ها منعکس آموزش کارآفرینانه و روش جداگانه به عنوان گروه‌های کوچک و به طور مشترک به برنامه‌ریزی آموزش و پرورش میان‌رشته‌ای با معلمان دیگر می‌پردازند. شبکه معلمان با همکاران در جهان اطراف به تبادل ایده با معلمان دیگر در مدرسه کارآفرین است. **حمایت از معلمان:** در ایجاد یک محیط یادگیری مؤثر، نقش حمایت از معلمان و الهام از مدیریت مدرسه سایر کارکنان مدرسه و شرکای خارجی از اهمیت حیاتی برخوردار

است. هدف ایجاد یک درک مشترک از آنچه به منزله آموزش کارآفرینانه و چگونگی افزایش آن از طریق محیط های یادگیری مناسب است. به طور خاص، معلمان باید اعتماد و تجربه پشتیبانی از مدیریت مدرسه برای نوآرانه بودن را احساس کنند. زمان کافی برای معلمان توسط مدیریت مدرسه برای تحقق بخشیدن به روند پیشبرد آموزش کارآفرینانه فراهم شود (هاشمی، ۱۳۹۵).

مراحل آموزش کارآفرینی

قبل از اینکه به مراحل آموزش کارآفرینی اشاره شود لازم به ذکر است آموزش کارآفرینی چیزی نیست که صرفاً محدود به آموزش رسمی گردد. فرایند کارآفرینی و رشد و توسعه کسب و کار، زمان بر و طولانی بوده و در مراحل مختلف آن نیازها و آموزش های ویژه ای لازم است لذا آموزش باید از درون خانواده و از همان اوایل زندگی شروع شده وارد مراحل مختلف و سطوح مختلف نظام آموزشی گردیده و درون محیط کارآفرینانه به طور مداوم ادامه یابد (کاران و همکاران ۱۹۸۸). آموزش کارآفرینی فرایند یادگیری چندمرحله ای است که حداقل در پنج مرحله متفاوت از زندگی توسعه و تحقق می یابد (بلک، ۲۰۰۲). در این دوره های یادگیری فرض می شود که هر فرد در نظام آموزشی باید فرصت هایی جهت یادگیری مراحل اولیه داشته باشد؛ اما در مراحل بعد کسانی هدف گزینش و آموزش قرار می گیرند که با یادگیری هر مرحله بتوانند در آینده کارآفرین شوند. آموزش های هر یک از مراحل فرایند آموزش کارآفرینی ممکن است با فعالیت های سایر دروس ترکیب شده و با عنوان یک دوره درسی مجزا تدریس شود (نیاروا، ۲۰۰۲). در مجموع مراحل آموزش کارآفرینی شامل موارد زیر است:

۱. **سطح پایه:** دانش آموزان در دوره های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان باید رویه های مختلف مالکیت کسب و کار را تجربه کنند. در این مرحله بر مفاهیم اساسی اقتصادی فرصت های کسب و کار که در نتیجه تغییرات اقتصادی به وجود می آیند و همچنین مهارت های اساسی مورد نیاز جهت موفقیت در بازار کسب و کار تمرکز می شود. برانگیختن برای یادگیری بیشتر و درک فرصت های منحصر به فرد اقتصادی از نتایج غایی و مورد انتظار این سطح است.

۲. **سطح پرورش شایستگی ها:** در این مرحله دانش آموزان باید زبان تجارت و کسب و کار را یاد بگیرند و با مسائل و دیدگاه هایی که از نظر صاحبان موسسه و بنگاه مهم هستند، آشنا شوند. سطح پرورش شایستگی ها به طور ویژه به آموزش های حرفه ای نیاز دارد. آموزش های مذکور می تواند در تمام کلاس های درسی مختلفی که به نوعی با کارآفرینی مرتبط هستند، تدریس گردد. به عنوان نمونه؛ جریان های نقدینگی و مسائل مدیریتی و اقتصادی مرتبط با آن می تواند در درس ریاضیات ویژه کارآفرینی گنجانده شده و آموزش داده شود.

۳. **سطح کاربرد خلاق:** این سطح از فرایند آموزش کارآفرینی شامل حداقل دروسی است که یادگیری آن ها برای تشریح یک کسب و کار جدید ضروری است. چیزهای بسیاری برای یادگیری جهت آغاز یک کسب و کار وجود دارد و این موضوع برای شغل هایی که با مسائل و مشکلات متفاوتی درگیر هستند، تعجب برانگیز نیست. به عنوان نمونه یک پزشک باید سال های طولانی درس بخواند تا بتواند طبابت کند. از این مرحله انتظار می رود که متعلمین یا همان صاحبان آتی کسب و کار تمام چیزهای لازم و ضروری با حرفه خود را در چند سمینار آموزشی بیاموزند. در این مرحله فراگیران باید فرصت های

آموزشی با ایده های متفاوت و روش های گوناگون برای برنامه ریزی کسب و کار را یاد بگیرند. اگرچه هنوز این کار یک تجربه آموزشی است اما دانش آموزان باید نسبت به مرحله قبل مسائل را بهتر بیاموزند. نتیجه این سطح از فرایند آموزش کارآفرینی شکل گیری یک ایده واحد در آنها، فرایند تصمیم گیری و اجرای برنامه های کسب و کار کامل است. دوره آموزش کاربرد خلاق را می توان برای دانش آموزان سال آخر دبیرستان رشته های فنی و حرفه ای و کار و دانش پیاده نمود. در نتیجه این آموزش ها دانش آموزان ممکن است به عنوان یک کارآفرین یک فعالیت کسب و کار را شروع کنند.

۴. **سطح راه اندازی کسب و کار:** این مرحله که نتیجه مستقیم مرحله قبل است. هدفی جزء راه اندازی یک کسب و کار توسط فراگیران ندارد و پیامد منطقی آموزش هایی است که در سطوح قبلی فرایند آموزش کارآفرینی داده شده است. بعد از اینکه افراد بزرگسال تجارب شغلی خاصی را کسب کردند و یا آموزش های بیشتری را در آن زمینه دیدند به مساعدت های خاص مربیان خود نیاز دارند تا درحالی که با معلمین خود به بحث و تبادل نظر می پردازند و نقاط تاریک راه اندازی یک کسب و کار برایشان روشن می شود تجارب مرتبط با شغلی را که دیده اند بالفعل نمایند. این دوره آموزشی معمولاً دو ساله بوده و در دانشکده های اقتصاد و مدیریت برگزار می شود.

۵. **سطح رشد و توسعه:** اغلب صاحبان کسب و کار علاقه ای به درخواست کمک و مساعدت برای افزایش دانش و آگاهی خود ندارند مگر اینکه در آن زمینه احساس نیاز کنند. دوره های مستمر آموزشی سمینارها و گردهمایی های علمی می تواند به این افراد کمک کند تا توانایی های کسب و کار خود را ارتقا بخشند. درعین حال ممکن است گروه ها، سازمان ها و یا نهادهایی هم باشند که از این افراد حمایت کنند. همچنین می توانند کارآفرینان را در شناخت مشکلات بالقوه و چگونگی برخورد با آن مسائل یاری نمایند. این مراکز اغلب چنین سمینارها و کارگاه هایی را در دانشگاه ها و در چارچوب برنامه های آموزش مستمر جهت کمک به کارآفرینان و تبادل نظر بین آنها برگزار می کنند (محب، ۱۴۰۰).

نقش ها و ویژگی های خاص معلمان و مدیران کارآفرین

منابع انسانی ثروت و سرمایه ی اصلی و اولیه هر سازمان و جامعه ای است بهره وری سایر منابع درگرو تأمین سرمایه انسانی بوده و این بدین مفهوم است که حسن تشخیص و به کارگیری کل سرمایه ها و منابع قابل تجدید و غیرقابل تجدید و کلا بهره برداری بهینه از منابع ملی درگرو بلوغ فکری توان وسعت فکر، اطلاعات و کاردانی افراد آن مجموعه خواهد بود. بدین ترتیب می توان آموزش را مقدمه ای برای پیشرفت و کارایی یک ملت دانست (ملک محمدی، ۱۳۷۷). درواقع یادگیری و مهارت افزایی از ابزارهای اساسی بشر برای پیشبرد امور زندگی و دمیدن روح پویایی به پیکره جامعه بوده است. اندکی تأمل در این خصوص اهمیت و ضرورت آموزش مهارت های مختلف به دانش آموزان به عنوان کارآفرینان و فعالان اقتصادی آینده را روشن می کند. سرمایه های مادی مانند ساختمان ها و دستگاه ها و ماشین آلات در طول زمان مستهلک شده، از بین می روند و به همین جهت اطلاق سرمایه به آنها تنها در مدتی کوتاه که عمر آنهاست مصداق دارد درحالی که منابع انسانی آموزش دیده و متعهد درعین حالی که اساسی ترین عامل ایجاد خودکفایی است سرمایه ای است که عمر بیشتری دارد و در طول زمان نه تنها مستهلک نمی شود بلکه بارورتر شده و اطلاعات و

کاردانی خود را در صورت وجود سیستم های صحیح و زمینه سازی لازم در سطح جامعه بخصوص در عرصه های تولید به افراد دیگر منتقل می کنند و درواقع سرمایه ساز می گردند.

یکی از چالش ها و موانع سر راه مدارس و مؤسسات آموزشی در آموزش مهارت و توسعه کارآفرینی، کمبود کادر آموزشی مجرب و متخصص از نظر تعداد، ترکیب و روزآمدی است و این به نوبه خود مهم ترین موانع در برگزاری دوره های مهارت آموزی و کارآفرینی نیز به شمار می آید. لازم است، ابزارهای پشتیبانی شامل تربیت مربیان و آموزگاران ارزشیابی و اعطای مدارک، توسعه زیرساخت ها و فعالیت های توسعه منابع انسانی تدارک دیده شود (محب پور، ۱۴۰۰).

مدیر یا معلم کارآفرین در نظام آموزشی نقش های زیر را بر عهده دارد:

۱. الگو بودن: این نقش دلالت بر شاخص و معروف بودن مدیر در محیط جامعه سازمان و بخش تحت مدیریت خود دارد. مدیریت، تجلی ایده هایی است که بر مبنای بینش، توانایی رفتار، مهارت و خلاقیت شکل می گیرند. بدین ترتیب مدیر آموزشی نیز باید برای دانش آموزان خود الگو باشد و ایده هایش برای همه معلمان و دانش آموزان سرمشق شود.

۲. راهنمایی و دلالت: این نقش به مدیر معنی و مفهوم راهبر می دهد و او را به عنوان شاخص و نشان دهنده راه معرفی می کند. نشان دهنده راه کسی است که خود راه را خوب می شناسد. مدیر آموزشی نقش مرشد ارشادکننده را دارد و لازمه مرشد بودن آن است که شخص، خود خوب رشد کرده باشد. به بیان دیگر مدیر باید راه پیش روی مدرسه را بشناسد و بشناساند. مدیر آموزشی مثل فیلسوف هستی شناس است و هستی شناسی او انتقالی هم هست یعنی باید هستی شناخته شده را به دانش آموزان خود بشناساند.

۳. جوابگویی: این نقش دلالت بر پدید آوردن پرسش ها و آمادگی برای پاسخگویی به آنها دارد و زمانی شاخص توسعه تلقی می شود که پاسخ ها خیلی نزدیک به سؤال ها باشند. مدیر آموزشی نباید پشت حوادث قرار گیرد بلکه باید پیش از بروز خطر دست به کار شود و باید قبل از همه حرکت کند. نه تنها باید پاسخگوی سؤالات دانش آموزان باشد بلکه از قبل سؤالات را طرح کرده باشد.

۴. تقویت روحیه خودکنترلی: معلم کارآفرین به دانش آموزان می آموزد که همه شکست ها عامل بیرونی ندارند بلکه باید به تلاش و انرژی درونی خود متکی باشند زیرا شکست ها و پیشرفت ها نتایج عملکرد خود او می باشد.

۵. علاقه مندی به کار: این نقش زمینه های تلاشگری و روحیه کار را برای توسعه اقتصادی فراهم می نماید. بر این اساس روحیه پایداری غلبه بر مشکلات و داشتن عزمی راسخ برای کسب موفقیت به دانش آموزان آموخته می شود تا اعتماد به نفس در آنها شکل گیرد.

۶. تقویت و ایجاد روحیه خوش بینی و اصرار بر حل مشکلات: این نقش تأکید می کند که آموزش و پرورش باید دانش آموزان را هدفمند واقع بین و حلال مشکلات خود تربیت کند.

۷. آموزش روحیه مخاطره پذیری: رسالت مهم آموزش و پرورش پرورش افراد شجاع، متعهد و پرافتخار است. از دیگر ویژگی های کارآفرینان که باید به پرورش آنها پرداخت می توان روحیه دوراندیشی، مسئولیت پذیری همکاری دقت و کمال جویی، خلاقیت و نوآوری، پافشاری، بصیرت، خودجوشی توانایی، سازگاری و... را ذکر کرد.

کارآفرینی مدیریت آموزشی برگرفته از این نقش هاست و مدیر باید این نقش ها را بر دیگر نقش های مدیریت ترجیح دهد. کارآفرینی برای همه سازمان ها مهم است اما برای مراکز آموزشی از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار است زیرا مدیر آموزشی در جایگاه ترویج کارآفرینی است و باید کارآفرینی را به دانش آموزان یاد دهد. این همان رسالت اصلی تعلیم و تربیت است یعنی دادن فرمان رشد فراگیران به دست خودشان است. به طور کلی کارآفرینی در کشاورزی عامل پایداری است در صنعت محور توسعه و در آموزش عامل درونی شدن یادگیری مدیریت آموزشی باید توجه داشته باشد که همه افراد در هر حرفه ای که هستند به نوعی از مدرسه فارغ التحصیل می شوند. به بیان دیگر مدرسه مکانی است که بازخورد آن به کل نظام برمی گردد و اگر روح کارآفرینی در مدرسه حاکم شود اثرات آن به تمام حرفه ها تعمیم می یابد. کم توجهی به کارآفرینی در نظام آموزشی به ویژه در آموزش ابتدایی انکارناپذیر است. جامعه و نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدرسه، رسانه های گروهی و نهادهای سیاسی و حکومتی باید به شکل منظم و مطلوب، کارآفرینی را آموزش دهند.

برای رسیدن به اهداف فوق باید نکات زیر را مورد توجه قرارداد:

- (۱) ایجاد انگیزه و علاقه در دانش آموزان و آماده سازی آنها برای شناخت مسائل اجتماعی، کار و کارآفرینی.
- (۲) ایجاد توانایی لازم در دانش آموزان برای تجزیه و تحلیل موضوعات ساده اجتماعی.
- (۳) آشنا نمودن هرچه بیشتر دانش آموزان با محیط اجتماعی خاص خود و روشن کردن روابط افراد با یکدیگر در زمینه های مختلف اجتماعی (یعقوبی نجف آبادی، ۱۳۸۹).

علیرغم اینکه در خصوص ویژگی ها و قابلیت های کارآفرینی بحث گردید اما به دلیل اهمیت موضوع، در اینجا به بعضی از ویژگی هایی که در مدیران و معلمان کارآفرین بیشتر دیده می شود. اشاره می کنیم:

- (۱) سریع برانگیخته می شوند. به بیان دیگر، انگیزه ی انجام کارها را دارند و آن را در خود تقویت می کنند.
- (۲) از نگرش بدبینانه پرهیز می کنند و بر سیستم عصبی خود کنترل دارند.
- (۳) در برخورد با دیگران شکیب هستند. به بیان دیگر، تحمل شنیدن و درک ایده های مخالف را دارند.
- (۴) رفتارها و عملکردهای دیگران را از هم تفکیک می کنند و برای هرکدام تعریف جداگانه ای دارند.
- (۵) به دنبال بارز شدن و مطرح شدن نیستند زیرا شهرت را مانع اثربخشی می دانند.
- (۶) ویژگی های فردی آنان بر پابندی آنها بر حل مشکلات دلالت دارد.
- (۷) از دیگران فاصله نمی گیرند. نوع دوست هستند و خود را با دیگران همراه و هم تراز فرض می کنند.
- (۸) به تک تک کارکنان دانش آموزان و اولیای آنها توجه دارند.
- (۹) افکاری طوفانی دارند. مغز خود را به کار می اندازند و واکنش ها و کنش های محیطی را دائماً بررسی می کنند.

- (۱۰) از رویدادها برداشت خوب و مثبت دارند به نحوی که حتی از برداشت های منفی نیز برداشت مثبت می کنند.
- (۱۱) کارهایشان را در سطحی گسترده عملیاتی می کنند و از یکنواختی گریزان هستند.
- (۱۲) طوری کار می کنند که علم توان ذوق سلیقه ها استعداد های بالقوه همه در مدرسه و در جامعه به کار گرفته شود. به بیان دیگر مدیریت نمادین خود را در سطح جامعه گسترش می دهد.
- (۱۳) منتظر نمی مانند تا به آن ها گفته شود که چگونه مشکل را حل کنند بلکه خود از طریق به هم آمیختن اعتماد شهامت و تجربه شروع به حل مشکل می کنند.
- (۱۴) ریسک پذیری لازمه کارآفرینی است بدین ترتیب مدیران کارآفرین ریسک پذیر هستند و کارهای خود را معطل نمی گذارند. به طور کلی ریسک پذیری مانع بهانه تراشی در انجام کارهاست.
- (۱۵) بین ارسال و یا دریافت پیام رابطه ی منطقی ایجاد می کنند.
- (۱۶) خلاق هستند؛ به این معنا که کارها را به شیوه های جدید انجام می دهند (فلاح رضوی، ۱۳۸۸).
- (۱۷) در زمان مناسب تفویض اختیار می کنند به این معنا که به فراگیران اجازه می دهند تا خودشان بتوانند مهم ترین عوامل فرایند آموزش مانند گروه ایده فرصت ها و آزمون ها، جدول زمانی و نوع وظایف را انتخاب کنند.
- (۱۸) مدیریت کل گرا دارند و از فراگیران می خواهند تا به طور هم زمان وظایف متعددی را انجام دهند.
- (۱۹) مثال هایی از دنیای واقعی ارائه می کنند تا موقعیت های مبهم و ناشناخته را به شاگردان بشناسانند.
- (۲۰) اشتباه کردن را برای فراگیران مجاز می شمارند و به آن ها اجازه می دهند که از اشتباه و شکست های خود درس بگیرند.
- (۲۱) در صورت نیاز فراگیران را تحت فشار می گذارند؛ به این صورت که برای تحویل تکالیف و وظایف تعیین شده جدول زمانی فشرده تعیین می کنند و به طور ناگهانی تکالیف و وظایف جدید و فوری به آن ها می دهند (یعقوبی نجف آبادی، ۱۳۸۹).

آموزش کارآفرینانه

آموزش کارآفرینانه به عنوان یک محیط یادگیری شامل یک محیط فیزیکی و یک اتاق ذهنی درک شده است. اهداف و روش های آموزش کارآفرینانه به خوبی با اهداف آموزشی هم تراز است. بحث در مورد انعکاس روش آموزش محدود و گسترده ای از آموزش کارآفرینانه است به عنوان مثال یادگیری از طریق برای و درباره آموزش کارآفرینی و محیط مدرسه را زنده و فعال می کند. الگوهای (رول مدل) از کارآفرینان به طور منظم در آموزش و پرورش گنجانده شده مورد بحث قرار گرفته است. الگوهای از کارآفرینان نشان دهنده نه تنها کارآفرینان اقتصادی است، بلکه کارآفرینان زیست محیطی، اجتماعی، فرهنگی و شخصی است. روایاتی از کارآفرینان متنوع به عنوان یک ابزار برای کودکان استفاده می شود. آموزش ها شامل همکاری با جهان اطراف یکپارچه به عنوان یک بخش طبیعی از برنامه درسی اجرا شود، هدف ارائه فرصت های برای دانش آموزان است که بتوانند در فرایند یادگیری برای خود و دیگران ارزش ایجاد کنند؛ بنابراین آموزش کارآفرینانه که یکی از عناصر مدرسه کارآفرین است شامل اجزای یادگیری همراه با خلق ارزش درک محدود و گسترده ای از کارآفرینی و کلیشه ها، روایات کارآفرینانه و رول مدل ها است.

عناصر سازنده محیط های یادگیری کارآفرینانه

۱. اتاق های فیزیکی و ذهنی

این نیز برای تمایز بین اتاق فیزیکی و اتاق ذهنی یک محیط یادگیری مفید است. اتاق فیزیکی می تواند بسیاری از بازنمایی ها در داخل و خارج از ساختمان مدرسه داشته باشد. به عنوان نمونه کلاس درس آزمایشگاه، کارگاه مکانیکی، بخش بیمارستان، محوطه مدرسه، جنگل های مجاور، کسب و کار و همچنین اینترنت است. درحالی که معلم دارای یک درجه پایینی از نفوذ در ویژگی های اتاقی فیزیکی دارد اما او درجه زیادی از نفوذ در اشکال مختلف از اتاق فیزیکی که به محیط های یادگیری تبدیل شده است را دارد. اتاق روانی و ذهنی توسط محتوا روش ها، رویکردها و زمینه های مورد استفاده معلم ارائه شده است. این شامل نوع تکالیف است و اینکه آیا دانش آموز را به خود آغاز گری خلاقیت و مسئولیت تشویق می کنند بر جستجوی دانش آموز استوار است، با جامعه و دانش آموز ارتباط دارند و امکان به کارگیری راه حل های گوناگون را دارند علاوه بر این اتاق ذهنی شامل تنظیمات فرایند یادگیری برای مثال طراحی و توسعه یک فرایند یا محصول کار تیمی بحث های تیمی ارزیابی شخصی و ارزیابی همسالان و همچنین تنظیمات مربوط به چگونگی ارائه دانش و مهارت های دانش آموزان در آزمون کتبی و ارائه شفاهی در کلاس یا برای مخاطبان خارجی است. اتاق ذهنی در نتیجه می تواند به عنوان ارائه از تفسیر معلم از این دوره آموزشی در ترکیب با سابقه تدریس او در نظر گرفته شود (ساگر، ۲۰۱۳).

۲. برداشت ها و نگرش های حرفه ای مربوط به معلم

هر دو اتاق فیزیکی و اتاق ذهنی در محیط یادگیری دانش آموزان بشدت وابسته به ادراک و نگرش حرفه ای مربوط به معلم است. معلم بانفوذترین فرد در اجرای واقعی از برنامه درسی است که در نحوه محیط یادگیری دانش آموزان شکل گرفته است (کافورد، ۲۰۰۷). برداشت معلم و نگرش او نسبت به دانش های یادگیری سبک های یادگیری و ابتکار دانش آموزان در فرایند یادگیری خود از عوامل اصلی این است. معلمان از نحوه درک و نگرش حرفه ای مربوط به خود در شکل دادن به محیط یادگیری دانش آموزان خود آگاه هستند. در محیط یادگیری کارآفرینانه معلم همراه با دانش آموزان می آموزد. علاوه بر این معلم خود را صراحتاً همچون دانش آموزان به عنوان یادگیرندگان فعال می بیند، بدان معنی که یادگیرنده تشویق و مجاز به ایجاد دانش جدید با نقطه عزیمت از دانش و تجارب قبلی خود ترجیحاً در تکالیف و زمینه معتبر است؛ بنابراین یک محیط یادگیری کارآفرینانه توسط یک معلم که دارای دیدگاه ساخت در یادگیری است بسیار آسان تر شکل می گیرد. از این رو آموزش کارآفرینانه تا حد زیادی ناشی از رویکرد معلم به شکل دادن به محیط یادگیری به جای یک روش به خوبی تعریف شده است.

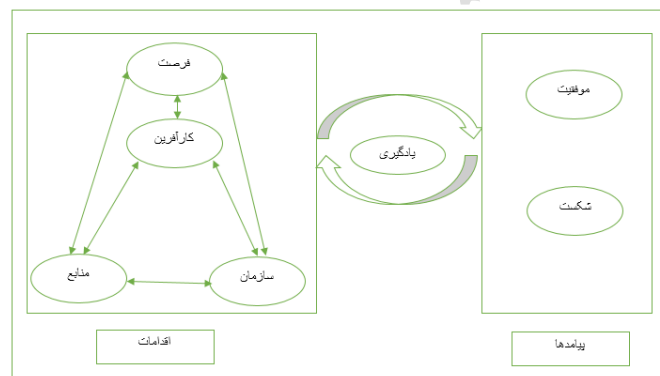
از این رو، درک و نگرش حرفه ای مرتبط باید در تلاش های توسعه حرفه ای و استراتژی توسعه گسترده تر مدرسه مورد خطاب قرار گیرد. معلمان ممکن است به ادامه توسعه حرفه ای برای تغییر شیوه تدریس خود نیاز داشته باشند. با این حال، معلمان به طور مستقل عمل نمی کنند همکاری با جهان اطراف بخش جدایی ناپذیر از شیوه آموزش و محیط یادگیری است. تأثیر مدیریت مدرسه همکاران، دانش آموزان و والدین نیز از عوامل مهم هستند. معلمان ممکن است نیاز به پشتیبانی از تمامی سازمان در فرایند تغییر داشته باشند (کافورد، ۲۰۰۷).

معلم و ارائه روش تدریس کارآفرینانه

در پژوهش گرائلی شیخ (۱۳۹۰) این نتیجه به دست آمد که کارآفرینی فرایندی نسبتاً اکتسابی است؛ همچنین معلمان عنصر کلیدی در ترویج آموزش کارآفرینی محسوب می‌شوند و مرور ادبیات تحقیق روش تدریس مختلفی را نشان می‌دهد که اکثر آن‌ها تغییر آموزش سنتی کارآفرینی به سمت پذیرش روش‌های تدریس نوین کارآفرینی که مبتنی بر عمل است می‌باشد؛ بنابراین معلمان باید از ترکیبی از روش‌های پیشنهادشده استفاده نمایند و درروش تدریس خود بسیار انعطاف‌پذیر باشند. با توجه به این‌که موضوع کارآفرینی یک بحث بسیار تخصصی و میان‌رشته‌ای است طبیعتاً باید مدرسانی به آموزش این درس بپردازند که هم دارای دانش نظری کارآفرینی باشند و هم با جنبه‌های عملی آن در شرکت‌ها و سازمان‌ها آشنا باشند (کرد نائج و همکاران، ۱۳۹۱).

یادگیری کارآفرینانه در دانش آموزان

بسیاری از کارآفرینان موفق در گذشته خود بارها شکست‌خورده‌اند و از شکست خود تجربه کسب کرده‌اند و کسب‌وکار جدیدی را پیش‌گرفته‌اند. کارآفرین از پیامدها و خروجی‌های اقدامات خود مواردی را می‌آموزد و از شکست‌ها و موفقیت‌ها یاد می‌گیرد تا اقدامات بعدی را بهتر انجام دهد.



شکل ۱. یادگیری کارآفرینانه

باوجودی که میان محققان و مدرسان حوزه کارآفرینی در مورد مجموعه صفات و خصوصیات کارآفرینی که قابل توسعه در مدارس باشد، یک اجماع نظر کلی وجود ندارد ولی به نظر می‌رسد که در رابطه با شیرۀ تدریس این صفات و خصوصیات همگی آن‌ها با یکدیگر متفق‌القول هستند. بسیاری از محققان این حوزه معتقدند که باید مباحث مربوط به کارآفرینی را به روشی، پویا فعال و تجربی آموزش داد که باعث انگیزش جوانان به تفکر نظام‌مند و عمل کارآفرینانه شود راشینگ (۲۰۰۹) افراد باید مفاهیم کارآفرینی را ابتدا احساس و سپس کامل تجربه، نمایند نه اینکه فقط آن‌ها را به روش متعارف بیاموزند (گیب، ۲۰۰۵).

جدول ۱. مقایسه رویکرد متعارف در یادگیری با رویکرد کارآفرینانه در یادگیری

رویکرد متعارف در یادگیری	رویکرد کارآفرینانه در یادگیری
محتوا محور	فرایند محور
معلم محور	دانش آموز محور
معلم استاد است.	معلم تسهیل کننده یادگیری است.
فراگیری جواب های چرا	فراگیری پاسخ های چگونه و چه کسی
دانش آموز منفعل (دریافت کننده اطلاعات) است.	دانش آموز فعال (تولید کننده اطلاعات) است.
انفعال عاطفی و احساسی	یادگیری عاطفی و احساسی
جلسات درسی برنامه ریزی شده	جلسات درسی انعطاف پذیر
اهداف یادگیری: تحصیلی	اهداف یادگیری: توافق شده
فرضیه تأکید بر مفهوم	فرضیه ربط عملی و عینی مفهوم
تمرکز موضوعی/ کاربردی	تمرکز عملی/ چند منظوره
تربس از ارتکاب اشتباه	یادگیری و تجربه اندوزی از اشتباهات
یادگیری یک سویه (دانش آموز فراگیر است).	یادگیری دو سویه (معلم و دانش آموز هر دو فراگیر هستند).

انواع روشن‌های یادگیری-یاددهی بر اساس ماهیت اهداف آموزشی

روشهای آموزش همگی دارای مزایا و محدودیت‌هایی هستند. یکی از شرایط حصول به موفقیت در یک آموزش تناسب صحیح روش آموزش با اهداف آموزشی مورد نظر است. صاحب نظران تعلیم و تربیت توصیه کرده‌اند که به منظور کسب بیشترین نتیجه و اثربخشی در آموزش، باید هر چه اهداف آموزشی از دانشی به نگرشی میل می‌کند، روش‌های آموزش نیز از غیرفعال به فعال میل کند. تاکنون و متناسب با ماهیت اهداف آموزشی بیش از بیست روش آموزش تجربه و توصیه شده است. ما در اینجا با توجه به سهم قابل توجه نگرش و مهارت در آموزش کارآفرینی، تنها سه روش از رایج‌ترین روش‌های فعال را که در مبحث آموزش کارآفرینی به‌خوبی مؤثر هستند مرور می‌کنیم.

روش آموزش مبتنی بر حل مسئله

در این روش فراگیران به صورت فردی یا گروهی با مسئله‌ای واقعی یا عینی در کلاس روبه‌رو می‌شوند. با این هدف که مسئله مذکور را حل کنند. با وجود آنکه این روش قدمت زیادی دارد، اما در دو دهه گذشته بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. جامع‌ترین مستندات این روش را می‌توان در مرکز آموزش «جنرال الکتریک» یافت. با توجه به آنکه داشتن یک مسئله واقعی از پیش نیازهای این روش محسوب می‌شود، طبیعی است که آن را اغلب در آموزش بزرگسال مؤثر بپنداریم اما مرور اهداف آموزشی در آموزش کارآفرینی، تجربه واقعی برای موفقیت بیشتر و در نتیجه تجربه رویدادهای واقعی را کاملاً توجیه می‌کند. در آموزش رسمی دانش آموزان آلمان یکی از سابقه‌دارترین و موفق‌ترین روش‌های آموزش مبتنی بر حل مسئله را در سطح دانش آموزان دارد. سیاست کلی و اصلی این روش نهادینه ساختن روش حل مسئله مورد نظر است. در آموزش کارآفرینی این روش کاملاً مؤثر است. به طور مثال، می‌توان از این روش در آموزش تدوین مدل کسب و کار یا طرح تجاری یا چرخه دمینگ (طراحی) اجراء کنترل، اقدام اصلاحی به‌خوبی استفاده کرد و البته موارد استفاده از آن به همین مثال‌ها ختم نمی‌شود. همچنین توصیه شده است که معلمان نسبت به مسئله تعریف شده در کلاس سوگیری نداشته باشند، زیرا در این صورت ممکن است به جای اینکه بر هدایت دانش آموزان به تسلط روش

متمرکز شوند بر موضوع متمرکز گردند و نظرات خود را به آن‌ها تحمیل نمایند. از همین جا پیچیدگی و دشواری روش به‌خوبی نمایان می‌شود از یک‌سو مربی باید به روش حل مسئله و آموزش آن مسلط باشد و از طرف دیگر بهتر است نسبت به مسئله سوگیری کار دارای تجارب جامعی باشند، یعنی تمام چالش‌های مسیر را پیشتر تجربه کرده باشند. هر چه تجربه معلم جامع‌تر و پرتکرارتر باشد آموزش بهتری انجام خواهد شد.

عینی بودن مسئله در شکل‌گیری نگرش فراگیران بسیار مؤثر است. مثلاً تدوین طرح تجاری راه‌اندازی بوفه مدرسه یا کارگاه پرورش قارچ در مدرسه در شکل‌گیری نگرش‌های موردنیاز بسیار مؤثرتر از تدوین مدل کسب‌وکار یک نیروگاه حرارتی است. نتیجه آنکه اصلی‌ترین چالش‌های پیش روی این روش عبارت است از: زمان موردنیاز برای آموزش که معمولاً طولانی است؛ حوصله ارکان آموزش شامل مدرسه مربی، خانواده و دانش‌آموز؛ وجود مسئله عینی و قابل‌درک و لمس در سن فراگیران و وجود مربی مجرب.

روش ایفای نقش

در این روش فراگیران در نقش‌هایی قرار می‌گیرند و از آنان خواسته می‌شود تا مأموریت‌های محوله را آن‌گونه که تصور می‌کنند درست است انجام دهند. سپس کار درست را از طرق مختلف نشان می‌دهند. این روش غالباً برای آموزش‌های مهارت محور یا نگرش محور توصیه می‌شود. در حوزه کارآفرینی آموزش قابلیت‌هایی مانند ارتباطات مذاکره، گوش دادن، استخدام، اخراج، انگیزش و مانند آن به‌خوبی قابل‌ارائه توسط این روش است.

روش قبلی می‌باید برای فراگیران ملموس و قابل‌درک باشد، برای هر گروه یک بار مصرف است و نمی‌توان از آن برای کسانی که پیشتر آن را تجربه کرده‌اند استفاده نمود. این چالش خود به دو بخش خرد می‌شود طرح سناریو خود می‌باید دارای تجربه عملی در سطح فراگیران باشد تا بتواند سناریوهای متناسب و کاربردی طراحی نماید. در ضمن به دلیل دانش فنی هزینه‌بر و در برخی موارد زمان پر است. هرچند اینترنت و شبکه‌های ارتباطی و مجازی، می‌توانند تا حد قابل‌توجهی امکان استفاده از تجارب و دستاوردهای دیگران را فراهم نمایند اما بومی‌سازی و سفارشی‌سازی سناریوهای دیگران نباید به‌عنوان یک ضرورت فراموش شود.

آموزش از طریق بازی

بازی - همان‌گونه که از نام این روش برمی‌آید - عنصر اصلی در این روش است. هرچند می‌توان مواردی مانند فعالیت‌های حرکتی گروهی را که شکل بازی دارند نیز در این گروه قرارداد، اما به لحاظ فنی منظور از بازی‌های آموزشی - که به بازی‌های جدی نیز معروف‌اند - بازی‌هایی هستند که یک یا چند هدف آموزشی خاص در طراحی آن‌ها منظور شده و بازیکن پس از پایان بازی درواقع آن اهداف آموزشی را فراگرفته است. به بیان دیگر، راز بازی یا همان عامل برنده شدن در بازی همان اهداف آموزش یا شکلی از آن‌هاست.

مهم‌ترین چالش این روش دانش فنی طراحی بازی‌های آموزشی است. این بازی‌ها عموماً توسط یک گروه حرفه‌ای از تخصص‌های مختلف مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی رشد، روان‌شناسی تربیتی، علوم تربیتی، تحقیقات آموزشی، تکنولوژی آموزشی، تبلیغات، رسانه، سناریو پردازی و تخصص مربوط به هدف آموزشی (مثلاً متخصص طرح تجاری در زمان طراحی بازی طرح تجاری) و در

مدت زمان قابل توجه - حداقل چندین ماه - طراحی، پیاده سازی، آزمایش و تولید می شوند. این ویژگی هزینه های طراحی بازی های آموزشی را زیاد می کند؛ اما از آنجاکه این بازی ها در تعداد بالا تولید و تکثیر می شوند، سهم هزینه های ثابت به ازای هر بازی ناچیز می شود. به گونه ای که همچنان این روش از جمله اقتصادی ترین روش های آموزش فعال محسوب می شود. لذا، دانش فنی، همچنان از چالش های اصلی خواهد بود. چالش دیگر آن است که ممکن است

برای هر هدف آموزشی نتوان یک بازی آماده استفاده شده و تجربه شده یافت. در این صورت یا باید خودتان آن را طراحی و تولید نمایید و یا از این روش صرف نظر کنید.

بازی های آموزشی معمولاً دارای یک راهنما یا مرجع آموزشی هستند که اهداف آموزشی را بر اساس مراجع مورد استفاده به مربی یادآوری می کند و حتی روش اجرای درست بازی به منظور دستیابی به اهداف مذکور را به او آموزش می دهد.

در دنیای مجازی تعداد زیادی بازی وجود دارد که به آن ها بازی های استراتژیک می گویند. ذکر این نکته ضروری است که اگرچه در اکثر این بازی ها مستنداتی از حوزه استراتژی وجود دارد، اما غالباً فاقد راهنمای استفاده آموزشی هستند و به همین دلیل، چنانچه توسط مربی مدیریت نشوند، غالباً کارکردی بیش از یک تفریح نخواهند داشت. حتی بازی هایی هستند که می توانند آموزش های غلط به فراگیران بازی ها گرچه غالباً یادگیری را تسهیل بدهند و تعمیق می کنند، اما زمان بر هستند. لذا، معلمان و به ویژه مدیریت مدرسه، عموماً استفاده از این روش به ویژه برای اهداف دانشی توجیه نمی شوند. فراموش نکنیم که مدت زمان لازم برای آموزش از طریق این روش با مدت زمان لازم برای انجام یک نگرش در فرد، همخوانی دارد. با وجود آنکه آموزش از طریق بازی مزایای بسیار زیادی دارد و هر روز در جهان در حال توسعه در همه رده های سنی از کودکان تا مدیران ارشد شرکت های بین المللی بزرگ است، متأسفانه برخی مدیران معلمان و اولیای دانش آموزان بازی ها را ابزاری مضر برای دانش آموزان می دانند؛ چراکه آن ها را از تحصیل و کسب علم دور می کند. خوشبختانه در حوزه کارآفرینی بازی های زیادی وجود دارد که می توان از آن ها برای آموزش های مهارتی و به ویژه نگرشی استفاده نمود (مهرابی، ۱۳۹۶).

سخنرانی کلاس (Lecture)

سخنرانی راجع به موضوعاتی از قبیل تحلیل بازار، خلق واحد جدید، تولید محصولات جدید، مدیریت پروژه، سرمایه گذاری و تدوین استراتژی از فعالیت های مهم روش سخنرانی هست. چالش های این روش عبارتند از: سخنرانی کلاسی نیازمند تلفیق با رویکردهای تجربی برای یادگیری است و تئوری باید با عمل، همراه شود و سخنران باید مسائل واقعی مرتبط با کارآفرینی را طراحی نماید (سولومون، ۲۰۰۸).

مباحثه های گروهی

از روشهایی است که بر اساس نظرسنجی های موجود مورد استقبال فراگیران بوده است به این دلیل که این روش فرصتی را فراهم خواهد کرد که فرد از طریق آن یک همدلی و همفکری از موضوع موردبحث با بقیه اعضا گروه می شود و سطوح و میزان توجه را در کلاس درس افزایش می دهد.

روش های آموزش شبیه سازی (Behavioral simulations)

روشی است که برخی متخصصان برای آموزش و تدریس صفات و خصوصیات و مهارت های کارآفرینی پیشنهاد کرده اند. در طول تمرینات شبیه سازی کسب و کار، فراگیران با رویدادهای بحرانی مواجه می شوند که باعث می شود تفکر بحرانی درک کردن و بهبود مهارت های تأثیرگذاری آنان را بهبود بخشد. این روش فرصتی برای دانش آموزان در قالب دیدن حس کردن و تجربه ای احساسات مرتبط را به وسیله یک سیستم و یک مجموعه از قوانین به حاشیه رانده شده فراهم می کند. این روش در آماده سازی فرد به عنوان یک کارآفرین مؤثر است (فایول، ۲۰۱۰).

مصاحبه با یک کارآفرین (Interviews with entrepreneurs)

مصاحبه با کارآفرینان می تواند فراگیران را از مشکلات و مواقع موجود در مسیر کارآفرینی و فرصت ها و موقعیت های کسب و کار، آگاه نموده و اعتماد به نفس لازم را در آنان جهت کام نهادن در دنیای کارآفرینی ایجاد نماید (فایول و همکاران، ۲۰۰۶).

طرح کسب و کار

تهیه برنامه های کسب و کار به شکل فردی یا تیمی، رقابت و ارائی جایزه به بهترین طرح های کسب و کار از فعالیت های مهم این روش هست (سولومون، ۲۰۰۸). چالش های این طرح عبارتند از: طرح های کسب و کار طراحی شده باید واقع بینانه باشد، روش هایی برای آزمون طرح های کسب و کار بازار مورد نیاز است. تدریس همچنین باید مبتنی بر به کارگیری طرح های کسب و کار در دنیای واقعی باشد.

مطالعات موردی (Case study analysis)

ارائه و بحث و گفتگو درباره تجارب یک شرکت کارآفرین شامل مراحل ایجاد کسب و کار، سازگاری و شکست. این روش در مقایسه با روش های غیر منفعل از جنبه ای عملی تر برخوردار است و در عمل قوی تر هست (کوراتاکو، ۲۰۰۵). چالش های این طرح عبارتند از: منابع مهمی برای تدوین مورد نیاز است. مطالعات موردی باید بر مسائل بالقوه ای که کارآفرینان در دنیای واقعی با آن مواجه خواهند بود، تمرکز نمایند.

دعوت از کارآفرینان به عنوان سخنران مهمان

دعوت از کارآفرینان برای ارائه تجربیشان به شکل سخنرانی و بحث و گفتگو چه در کلاس درس چه در شرکت از فعالیت های مهم این روش است. این روش جز کارآفرینی بیشتر به سمت روش های بر پایه اشتراک گذاری دانش مانند سخنرانی مهمان و بحث های کلاسی در حال گسترش است (سولومون، ۲۰۰۸) و از قوی ترین روش ها در آموزش کارآفرینی می باشد (کوراتاکو، ۲۰۰۵). چالش

این طرح عبارت‌اند از: مؤسسات آموزش عالی باید شیوه‌های جذب کارآفرینان را جهت تدریس برنامه‌ها شناسایی نمایند همچنین باید از کارآفرینان در فرآیند تدریس به‌ویژه در شیوه‌ی یادگیری از تجاریشان حمایت نمایند.

شروع کسب‌وکار توسط دانش آموزان

دانش آموزان شروع به کسب‌وکار واقعی یا مجازی به شکل فردی یا تیمی می‌نمایند. چالش‌ها: برای شروع و ایجاد کسب‌وکار سرمایه و تکنولوژی مورد نیاز خواهد بود. همچنین قوانین و مقرراتی باید برای دادن پاداش به شروع‌های موفق تدوین شود (مقصودی، ۱۳۹۵).

بحث و نتیجه‌گیری

از آنجایی که یکی از مؤلفه‌های مهم کارآفرینی دارا بودن مهارت است، جامعه و سازمان می‌تواند در مسیر توسعه حرکت رو به جلویی داشته باشد که با ایجاد زمینه‌های لازم منابع انسانی خود را به دانش و مهارت کارآفرینی مجهز نماید. بحث محوری در این میان آموزش کارآفرینی است که این توانمندی ارزشمند، منابع انسانی جامعه و نظام آموزش و پرورش را به‌سوی ایجاد ارزش و حصول رشد و توسعه رهنمون می‌سازد.

امروزه آموزش مهارت‌های کارآفرینی و شغلی در بین نظام‌های آموزشی پیشرفته در همان دوران آموزش عمومی ارائه می‌گردد. برنامه آموزشی کارآفرینی و شغلی سازمان‌دهی و اتخاذ مجموعه روادیدی برای کسب مهارت‌های کارآفرینی و شغلی برای موفقیت دانش آموزان در زندگی است که به‌وسیله مدرسه برای دانش آموزان تدارک دیده می‌شود. بدیهی است که نوع دیدگاه‌ها به چگونگی و چه چیزی این برنامه‌ها در تمام دنیا متفاوت است با این حال می‌توان استدلال کرد که برنامه‌هایی که امتحان خود را در کسب مهارت‌های کارآفرینی و شغلی پس داده و توسط نظام‌های آموزشی پیش رو مورد استفاده قرار می‌گیرد به شکل محتمل‌تری می‌تواند در کسب آموزش کارآفرینی و شغلی برای فراگیران مثمرتر واقع گردد.

ابعاد و مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی در مدارس ابتدایی تابع شرایط ساختاری حاکم بر نظام آموزشی کشور و مقامات بالادستی می‌باشند. معلمان و مدیران به دلیل ساختار متمرکز نظام آموزشی تابع بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های صادره هستند. از طرفی ابزارهای آموزشی پاسخ‌گوی نیازهای کارآفرینی در مدارس نیست. در تحقق کارآفرینی در فضای یادگیری مدارس، شیوه‌های سنتی پاسخگو نمی‌باشد؛ بلکه روش تدریس فعال همراه با بازی کاردستی و داستان که برای کودکان جذاب و سرگرم‌کننده است، اهداف آموزش کارآفرینی را تأمین می‌نماید. با وجود تحقیقات متعددی که در حوزه آموزش کارآفرینی در مدارس صورت گرفته است نمی‌توان بر وقوف کارگزاران اصلی آموزش و پرورش در این خصوص اطمینان داشت؛ لذا آموزش‌های کارآفرینانه در مدارس ایران گویای وضعیت مطلوبی نمی‌باشند. در یک وضعیت ایدئال مدارس با بهبود دانش کارکنان ترویج فرهنگ حمایتگر رفع محدودیت‌ها و موانع ساختاری باعث تقویت روحیه ریسک‌پذیری خودباوری، اعتمادبه‌نفس و همکاری در میان دانش آموزان می‌شوند.

مطالعات مختلف نشان می‌دهد در شکل‌گیری مدارس کارآفرین بایستی خلاقیت کنجکاوی، اعتمادبه‌نفس و تمایل به آزمون ایده‌ها و حل مشکلات در دانش آموزان ترغیب و تشویق شوند. دانش آموزان باید این فرصت را داشته باشند که از ابتکار عمل و مسئولیت‌پذیری برخوردار شوند و توانایی خود را توسعه دهند.

وجود روش تدریسی که بتوان آن را به عنوان بهترین روش معرفی کرد وجود ندارد اغلب کسانی هم که در رابطه با معرفی روش ها مطالعات گسترده انجام داده اند به این نتیجه رسیده اند که استفاده از یک روش خاص در آموزش کارآفرینی نمی تواند ضامن رسیدن ما به هدف باشد همیشه و در رابطه با افراد مختلف مجموعه ای از روش ها می تواند تسهیل کننده یادگیری باشد و نتیجه را به سمت وسوی خاص خود هدایت نماید. در این مقاله سعی شده است با مرور روش های آموزش کارآفرینی که در سایر مقالات به صورت پراکنده بدان اشاره شده است مجموعه ای کاملی از روش های آموزشی را فراهم آوریم که با رجوع به آن ها قادر باشیم برای شرایط متفاوت و ویژگی های متفاوت فراگیران از آن ها بهره گیری کنیم و نهایتاً اثربخشی کلاس درس را افزایش داده باشیم.

منابع

- حاجی آقایی، حنیف؛ خلخالی، علی. (۱۳۹۹). تبیین پدیده مدرسه به عنوان شتاب دهنده. نوآوری های آموزشی، ۱۹(۱)، ۱۱۱-۱۲۶.
- فلاح رضوی، مریم (۱۳۸۸). تاثیر ویژگی های شخصیتی کارآفرینانه مدیران آموزشی بر یادگیرنده بودن سازمان مدارس. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی.
- کردناچ، اسدالله؛ احمدی، پرویز؛ قربانی، زهرا و نیاکان لاهیجی، نازیلا (۱۳۹۱). بررسی ویژگی های دانشگاه کارآفرین در دانشگاه تربیت مدرس. توسعه کارآفرینی، ۵(۳)، ۴۷-۴۲.
- محب پور، سامان (۱۴۰۰). شناسایی ویژگی های معلم کارآفرین جهت توسعه کارآفرینی در مدارس. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید چمران تهران.
- مرادی، مسعود؛ ایمانی پور، نرگس؛ آراستی، زهرا؛ محمدکاظمی، رضا. (۱۳۹۷). شناسایی ابعاد شکل گیری قصد کارآفرینانه در افراد فقیر بر مبنای قابلیت ها. مجله توسعه کارآفرینی، ۱۱(۲)، ۱۰-۱.
- مقصودی، سمیه (۱۳۹۵). بررسی روش های تدریس در آموزش کارآفرینی. مجله مطالعات آموزش پزشکی ارتش، ۴(۱)، ۷۰-۶۴.
- مهرابی، امید (۱۳۹۶). سه راهه آموزش کارآفرینی در مدارس. رشد معلم، ۳۶(۳)، ۲۸-۳۰.
- نصیری، فخرالسادات؛ قادری شیخی آبادی، مری. (۱۳۹۹). تحلیل همبستگی رهبری مثبت گرا و رهبری هوشمند با کارآفرینی مدارس: آزمون نقش میانجی خودکارآمدی معلمان. اندیشه های نوین تربیتی، ۱۶(۴)، ۲۵۸-۲۳۷.
- هاشمی، سمیه (۱۳۹۵). طراحی مدل بومی مدرسه کارآفرین. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان.
- یعقوبی نجف آبادی، اشرف (۱۳۸۹). ضرورت آموزش کارآفرینی در همه مقاطع تحصیلی. مجله رشد مشاوره مدرسه، ۵(۴)، ۳۲-۲۸.
- Crawford, B. A. (2007). Learning to teach science as inquiry in the rough and tumble of practice. Journal of research in science teaching, 44(4), 613-642.
- Fayolle, A., Gailly, B., & Lassas-Clerc, N. (2006). Assessing the impact of entrepreneurship education programmes: a new methodology. Journal of European Industrial Training, 30(9), 701-720.
- Fayolle, A. (2010). Handbook of Research in Entrepreneurship Education, 3, 1-10.
- Kuratko, F. D. (2005). Entrepreneurship Education: Emerging Trends and Challenges for the 21 Century, White Paper, US Association of Small Business Education.

- Lackéus, M. (2013). Developing Entrepreneurial Competencies -an Action-Based Approach and Classification in Education. Licentiate Thesis, Chalmers University of Technology.
- Mehdipoor, N. (2016). Applying the Functional, National, Global, Theoretical and Construction of Curriculum's Components in Humanities Curricula from Faculty Members' Point of Views (Case: Shahid Bahonar University of Kerman). *Journal of Curriculum Research*, 5(2), 47-71. [In Persian]
- Möttönen, T., & Tunkkari-Eskelinen, M. (2020). Entrepreneurship Education and Entrepreneurial Ecosystems. In T. Möttönen (Ed.), *Finnish Entrepreneurs: From Freedom of Occupation to the Entrepreneurial Society*.1 (1) 83-112.
- Park, J. H., & Ahn, T. U. (2016). A Study on the Influence of Young Entrepreneurs' Entrepreneurship and Entrepreneurial preparation upon the Entrepreneurial Performance: Centered on Mediated Effect of Entrepreneurial infra system using. *Asia-Pacific Journal of Business Venturing and Entrepreneurship*, 11(1), 39-47.
- Sagar, H., Pendrill, A. M., & Wallin, A. (2012). Teachers' Perceived Requirements for Collaborating with the Surrounding World. *Nordic Studies in Science Education*, 8(3), 227-243.
- Solomon, G. (2008). National survey of entrepreneurship education in United States 2004-2005. Paper presented at OECD conference fostering entrepreneurship, Trento, Italy.
- Val, E., Gonzalez, I., Iriarte, I., Beitia, A., Lasa, G., & Elkoro, M. (2017). A DesignThinking approach to introduce entrepreneurship education in European school curricula. *The Design Journal*, 20, 754-766.
- Wang, C.K. and Wong, P.K. (2004). Entrepreneurial interest of university students in Singapore, *Technovation*, 24(2), 163-72.